

bookroom

# مبانی اخلاق

در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی

حسن معلمی

## شناختنامه پژوهشی

- عنوان تحقیق: مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی
- پژوهشکده: حکمت و دین پژوهی
- گروه علمی: اخلاقی
- محقق: حسن معلمی
- موضوع اصلی: اخلاق

## ■ فهرست ■

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۷	بخش اول: مبانی اخلاقی در فلسفه غرب
۱۹	مقدمه
۲۱	فصل اول: یونان باستان
۲۱	سقراط (۴۶۹-۳۹۹ ق.م.)
۲۳	افلاطون (۴۲۰-۳۴۷ ق.م.)
۲۵	ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م.)
۲۹	نقد و بررسی نظریات سقراط، افلاطون و ارسطو
۲۹	مکتب اپیکوری
۳۴	نقد و بررسی
۳۵	رواقیان
۳۶	۱. وحدت وجود
۳۶	۲. همه چیز خیر است
۳۶	۳. هر موجودی، مطیع و مقهور قوانین طبیعی است
۳۷	۴. اختیار انسان محدود به اراده و حالات درونی است
۳۷	۵. فضایل به همدیگر وابسته‌اند
۳۸	نقد و بررسی

## ■ ۶ مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی

۴۹	جمع‌بندی
۴۱	فصل دوم: قرون وسطی
۴۱	فلسفه اخلاق در قرون وسطی
۴۹	فصل سوم: فلسفه جدید
۴۹	رنسانس (قرن ۱۴-۱۶)
۵۲	فلسفه اخلاق در قرن ۱۷ و ۱۸
۵۳	فلسفه عقل‌گرا
۵۳	رنه دکارت (۱۵۹۶-۱۶۵۰)
۵۳	تیکلاس مالبرانش (۱۶۳۸-۱۷۱۵)
۵۴	باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷)
۵۸	گفرید ویلهلم لایپزیتس (۱۶۴۶-۱۷۱۶)
۵۹	جمع‌بندی
۵۹	فیلسوفان انگلیس (قرن ۱۸-۱۷)
۵۹	تامس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹)
۶۰	جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)
۶۴	شافتسری (۱۶۷۱-۱۷۱۳)
۶۶	برناردو مندوبیل (۱۶۷۰-۱۷۳۳)
۶۷	فرانسیس هاجسن (۱۶۹۴-۱۷۴۶)
۶۸	جورج بارکلی (۱۶۸۵-۱۷۵۲)
۶۹	دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶)
۷۶	نقد و بررسی سخن هیوم
۷۷	آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰)
۷۸	فلسفه آلمان (قرن ۱۸-۱۹)
۷۸	ایمانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴)
۸۲	نقد و بررسی
۸۵	یوهان گوتلیب فیشتله (۱۷۶۲-۱۸۱۴)
۸۶	آرتور شوبنهاور (۱۷۸۸-۱۸۵۰)
۸۷	فردریش ویلهلم نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰)

۸۹	فلسفه اخلاق در فرانسه (قرن ۱۸ و نیمه قرن ۱۹)
۸۹	زان راک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸)
۹۲	من دوبیران (۱۸۲۴-۱۷۶۶)
۹۳	آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸)
۹۵	فلسفه نیمه اول قرن ۱۹ در انگلستان
۹۵	حرمی بتتم (۱۸۲۲-۱۷۴۸)
۹۸	نقد و بررسی
۹۹	جان استوارت میل (۱۸۷۳-۱۸۰۶)
۱۰۳	نقد و بررسی
۱۰۴	هنری سیچ ویک (۱۹۰۰-۱۸۳۸)
۱۰۶	نقد و بررسی
۱۰۷	هربرت اسپنسر (۱۹۰۳-۱۸۵۸)
۱۱۰	نقد و بررسی
۱۱۱	توماس هیل گرین (۱۸۴۲-۱۸۳۶)
۱۱۲	فرانسیس هربرت برادلی (۱۹۲۴-۱۸۴۶)
۱۱۴	فلسفه ایده‌آلیسم امریکا در نیمه اول قرن ۱۹
۱۱۴	رالف والدز مارسون (۱۸۰۳-۱۸۸۲)
۱۱۵	جوسایا رویس (۱۸۵۵-۱۹۱۶)
۱۱۶	برتراند راسل (۱۹۷۰-۱۸۷۲)
۱۱۶	فلسفه پراغماتیسم امریکا
۱۱۶	چارلز ساندرس پیرس (۱۹۱۴-۱۸۳۹)
۱۱۹	ویلیام جیمز (۱۹۱۰-۱۸۴۲)
۱۲۱	وجودان اجتماعی
۱۲۱	امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸)
۱۲۲	نقد و بررسی
۱۲۴	هنری برگسون (۱۹۴۱-۱۸۵۹)
۱۲۶	شهود گرایی
۱۲۶	جورج دوارد مور (۱۹۵۸-۱۸۷۳)

۱۲۹	نقد و بررسی
۱۳۰	اچ. ای. پریکاراد (۱۸۷۱-۱۹۴۷) و سردبیوید راس (۱۸۷۷-۱۹۷۱)
۱۳۲	نقد و بررسی شهودگرایی
۱۳۳	احساس‌گرایی
۱۳۵	سرآفرد جونز آیر (۱۹۱۰-۱۹۸۹)
۱۴۱	نقد و بررسی
۱۴۲	سی. ال. استیونسن
۱۴۵	نقد و بررسی
۱۴۵	هدایت‌گرایی
۱۴۵	بر. ام. هیر
۱۵۲	نقد و بررسی
۱۵۲	جمع‌بندی
۱۵۵	<b>بخش دوم: مبانی اخلاق در فلسفه اسلامی</b>
۱۵۷	پیدایش مباحث مربوط به فلسفه اخلاق در میان مسلمین
۱۵۹	مقدمه
۱۶۱	فصل اول: عقل عملی و عقل نظری
۱۶۴	بررسی نظریات مختلف در باب عقل عملی و عقل نظری
۱۶۴	نظریه یکم
۱۷۷	نظریه دوم
۱۸۹	نظریه سوم
۱۹۰	جمع‌بندی نهایی
۱۹۴	نظریه مختار
۱۹۷	<b>فصل دوم: مفاد باید و نباید و حسن و قبح</b>
۱۹۷	ا. مفاد باید و نباید
۱۹۷	مقدمه
۱۹۸	معانی باید و نباید
۲۰۱	معنای اول «باید و نباید»

## فهرست ■ ۹

۲۰۲.....	معنای دوم «باید و نباید»
۲۰۳.....	علامه طباطبائی
۲۰۷.....	نقد و بررسی
۲۰۹.....	شهید مطهّری
۲۱۰.....	نقد و بررسی
۲۱۰.....	معنای سوم «باید و نباید»
۲۱۱.....	نقد و بررسی
۲۱۱.....	معنای چهارم «باید و نباید»
۲۱۲.....	نقد و بررسی
۲۱۳.....	معنای پنجم «باید و نباید»
۲۱۵.....	نقد و بررسی
۲۱۵.....	معنای ششم «باید و نباید»
۲۱۷.....	نقد و بررسی
۲۱۹.....	معنای هفتم «باید و نباید»
۲۲۲.....	نقد و بررسی
۲۲۴.....	معنای هشتم «باید و نباید»
۲۲۷.....	ب. مفاد حسن و قبح
۲۲۷.....	مقدمه
۲۲۸.....	معانی «حسن و قبح»
۲۲۸.....	معنای یکم: ملائمت و منافرت
۲۳۲.....	معنای دوم: نقصان و کمال
۲۳۳.....	معنای سوم: موجب ثواب و عقاب و مدح و ذم بودن و یا صحّه مدح و ذم
۲۳۳.....	معنای چهارم: تناسب و عدم تناسب (تناسب اجزا <sup>۱</sup> و عدم تناسب اجزاء – تناسب فعل با مطلوب و عدم تناسب با مطلوب)
۲۳۴.....	نقد و بررسی
۲۳۷.....	فصل سوم: کلیت قوانین اخلاقی و رابطه باید و هست
۲۳۷.....	۱. کلیت قوانین اخلاقی
۲۳۷.....	مقدمه

## ۱۰ ■ مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی

۱. کلیت قواعد اخلاقی از طریق قیاس و استدلال به ملاک مصلحت و مفسد	۲۲۸
نقد و بررسی	۲۴۴
۲. نظریه اعتباریات با ملاک نیاز عمومی	۲۴۶
علامه طباطبائی	۲۴۸
نقد و بررسی	۲۵۰
۳. نظریه تفکیک بین من علوی و من سفلی	۲۵۳
نقد و بررسی	۲۵۹
۴. نظریه بداهت حسن و قبح عقلی	۲۶۱
نقد و بررسی	۲۶۵
۵. کلیت قواعد اخلاقی بر مبنای نظریه ضرورت بالقياس و کمالات نفس	۲۶۸
نقد و بررسی	۲۷۱
نظریه مختار	۲۷۱
ب. رابطه باید و هست	۲۷۴
مقدمه	۲۷۴
رابطه باید و نباید و هست و نیست براساس نظریه مصالح و مفاسد عمومی	۲۷۵
رابطه باید و هست براساس نظریه اعتباریات	۲۷۷
ا. مرحوم علامه طباطبائی و رابطه باید و هست	۲۷۸
ب. مرحوم شهید مطهری و رابطه «باید و هست»	۲۸۰
نقد و بررسی	۲۸۴
رابطه باید و هست براساس نظریه ضرورت بالقياس و بالغیر	۲۸۵
كتابنامه	۲۸۷
نمایه	۲۹۳

## ■ پیشگفتار ■

تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی با توجه به مناسب نیازها و نظریه‌های جدید یکی از هدف‌های اصلی پژوهشکده حکمت دین پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. چنانکه یکی از هدف‌های گروه اخلاق و عرفان «تنسیق معارف اخلاقی، عرفانی و تربیتی اسلام با نحاط نظرها و نیازهای نوپدیده» می‌باشد. با توجه به این اهداف و نیز توجه به اینکه اخلاق و مبانی آن، یکی از مسائل پیچیده و بحث‌انگیز عصر تجدید است، پژوهشکده حکمت و دین پژوهی موضوع مبانی اخلاق را به عنوان یکی از طرح‌های پژوهشی خود برگزیده و نظر محققان را به بحث و بررسی آن جلب کرده است که اثر حاضر، نمونه‌ای از تلاش محققان در این میمه است. در این اثر، محقق ارجمند جناب آقای حسن معلمی، مبانی اخلاق از دیدگاه متفکران غرب، از یونان باستان پی گرفته، با نقل و تقریر هر یک دیدگاه‌ها، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است.

محقق محترم، پس از بررسی دیدگاه‌های متفکران عصر باستان و قرون سلطی، به آرای متفکران جدید غرب پرداخته است. در این قسمت دیدگاه بیلسفان معتبر دوران جدید غرب، اگر چه به اختصار، اما در حد امکان دقیق بورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. سپس با در نظر گرفتن این دیدگاه‌ها، برد بحث اخلاق در فلسفه اسلامی شده. در مورد حسن و قبح و باید و نباید، دیدگاه‌ها متفکران اسلامی را نقل کرده و مورد بررسی و ارزیابی قرار داده.

## ۱۲ ■ مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی

است، و در نهایت درباره کلیت قوانین اخلاقی و رابطه «باید» و «هست» به بحث پرداخته است.

با نظر به اهمیت مسأله و نیاز انسان‌ها، لازم است هر چه بیشتر در این حوزه کار شود. پژوهشکده حکمت و دین پژوهی ارانه این اثر را به عنوان گامی در این راه تلقی کرده، با کمال علاقه و اخلاص در انتظار اتفاقات، پیشنهادها و اندیشه‌های نو می‌پاشد. به این امید که بتوانیم، در جهان امروز که جهان اطلاعات و ارتباطات است، با نظریه‌پردازی و نوآوری، با تکیه به تعالیم و ذخایر جاودانه اسلام، طرحی نو و استوار در اخلاق بشر در اندخته، به سلامت جسمی و روحی انسان‌ها یاری رسانیم.

بی‌تردید، نیاز معنوی انسان‌ها ایجاب می‌کند که یک نظام ارزشی قابل ترویج و دفاع، از طرف پیروان پیامبر خاتم ارانه شده، پاسخ‌گوی آشناگی‌ها و نابسامانی‌های خلاً معنویت در قرن جدید باشد.

با آرزوی توفيق

پژوهشکده حکمت و دین پژوهی

## ■ مقدمه ■

انسان موجودی مختار و آگاه است و اعمال و رفتار او براساس بینش‌ها و گرایش‌های او شکل می‌گیرند و این کار نیز توسط اراده خود او انجام می‌گیرد. از طرف دیگر سطح بینش و گرایش انسان، از همه موجودات بالاتر و عالی تر است و فرهنگ و تمدن و تعالی فکری و علمی موجود در بشر، که در هیچ یک از موجودات دیگر بافت نمی‌شود، بزرگ‌ترین مشاهد بر این مدعایست و نیز وجود گرایش‌های متعالی و احساسات و عواطف عالی در انسان‌ها از سوی دیگر حقانیت این اذاعا را به اثبات می‌رساند. به عبارت دیگر هر چه ارزش‌های اخلاقی، عاطفی و انسانی در جوامع بشری حاکمیت بیشتری داشته باشد، جوامع بشری سالم‌تر، شاداب‌تر و موفق‌تر خواهند بود.

تأکید همه ادیان و مذاهب بر مسائل اخلاقی تا انجایی است که هدف تعنت، تهدیب نفس و حاکمیت ارزش‌های متعالی و قواعد اخلاقی شمرده شده است. همه این موارد به وضوح اهمیت اخلاق و عالی‌بودن جایگاه آن در جوامع بشری را نشان می‌دهد. بعد از درک ضرورت اخلاق، وجوب پرداختن به مباحث پیرامون آن آشکار می‌گردد؛ زیرا اگر در باب اخلاق و مبانی آن متواتر از اساس و اصول محکمی دست یابیم، به گونه‌ای که شباهت و سوالات متعدد اخلاق و اخلاقیات را در نظر انسان‌ها بدون اساس و ریشه سازند و آنها را به اموزی خرافی و بی‌پایه و حتی بی‌معنی و پوج توصیف نمایند، شاید دیگر نتوان به جدا از اخلاق و اخلاقیات سخن گفت و حتی بر فرض طرح

## ۱۴ ■ مبانی اخلاق در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی

آن‌ها و اعتقاد به آن‌ها، نتوان از عقیده و سخن خود دفاع منطقی کرد. روشن است که کم‌ترین ضرر تزلزل در اخلاق و امور اخلاقی در جوامع شری، بروز جنگ‌ها و جنایت‌های توجیه‌شده خواهد بود که بشر نمونه‌های آن را تجربه کرده است.

با این همه اگر بتوان از قواعد اخلاقی و گزاره‌های مرسوط به آن دفاع عقلانی و منطقی کرد و شباهت موجود را پاسخ گفت و نشان داد که می‌توان از حقانیت قواعد اخلاقی دفاع نمود و بالاتر اینکه اثبات کرد که قواعد اخلاقی و عمل به آن‌ها در تکامل روح و روان انسان‌ها و رسیدن آن‌ها به کمال نهایی، یعنی قرب خداوند متعال تأثیر تام دارد و اصولاً حقیقت انسانیت انسان همین خوبی و خصلت‌های پسندیده اخلاقی است و اگر بتوان نظامی محکم و استوار برای اخلاق بنا نهاد، در سوق دادن جوامع بشری به سوی اخلاق و کمالات انسانی قدم بزرگی برداشته شده است.

می‌توان با نگاهی گذرا به دیدگاه‌های مختلف در باب اخلاق. ضرورت پرداختن به این بحث را بیش‌تر دریافت. زیرا از یک طرف عده‌ای از متفکرین یونان. اساس اخلاق را الذت شخصی به حساب می‌آورند و از سوی دیگر در غرب بعد از رنسانس، ابتدا در نظام فلسفی و اخلاقی تشکیکاتی ایجاد شد و پس از آن مکاتبی به وجود آمد که برای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی هیچ پایگاه و اساس محکمی را قائل نبود؛ زیرا عده‌ای اخلاق را برآمده از احساس و احساسات بشری را نیز متغیر و متفاوت و بنابراین، اخلاق را متغیر و نسبی می‌دانستند. از طرف دیگر عده‌ای قائل به وجود هیچ رابطه‌ای بین قضایای اخلاقی و واقعیات نبودند. به تعبیر دیگر، بین «هستی» و «باپستی» هیچ گونه رابطه‌ای را نمی‌پذیرفتند و هرگونه توجیه منطقی و عقلانی را برای اخلاق، محال قلمداد می‌نمودند (و هیچ گونه توجیه عقلانی و منطقی‌ای را برای اخلاق نمی‌پذیرفتند). از سوی دیگر عده‌ای اساساً گزاره‌های اخلاقی را بی معنی و بوج قلمداد می‌نمودند.

حاصل همه این تفکرات، بی اساس قلمداد نمودن اخلاق و ارزش‌های

اخلاقی بود. به گونه‌ای که سخن گفتن از اخلاق و اخلاقیات و دفاع از آن‌ها گزارف و بیهوده می‌نمود.

می‌توان گفت در غرب بعد از هیوم، این فروپاشی و انفکاک به طور جدی تری مطرح و دنبال شد و گرچه موافقانی برای اخلاق و اخلاقیات به گونه‌های مختلف وجود داشته و دارد، با این حال تبیین محکم و استواری که بتواند پاسخگوی همه شباهت موجود در این باب باشد، ارائه نشده است و اگر احیاناً راه حل‌هایی ارائه شده است، در میان انبوه شباهت و تشکیکات، جدی گرفته نشده است.

لذا از آنجایی که ما با الهام از قرآن مجید و روایات رسول اکرم ﷺ، و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ، معتقدیم که اخلاق و ارزش‌های اخلاقی رکن اصلی و مهم خودسازی و هدایت و سعادت است و مهم‌ترین هدف از ارسال رسول را تهذیب نفس می‌دانیم، باید با اهتمام و جدیت تمام این بحث را دنبال کرده، تا استحکام و استواری ارزش‌های اخلاقی را نشان دهیم. در این راستا، می‌توان سؤال‌های زیر را به عنوان مهم‌ترین سؤال‌های موجود در این باب مطرح کرد:

۱. ماهیت قضایای اخلاقی چیست؟ آیا قضایای اخلاقی، همانند قضایای دیگر، یعنی قضایای منطقی، فلسفی، علمی و... هستند و یا ماهیتاً با آن‌ها تفاوت دارند و به لحاظ همین تفاوت ماهوی، بحث و بررسی دیگری را می‌طلبند؟

۲. آیا قوه‌ای که قضایای اخلاقی را درک می‌کند، غیر از قوه‌ای است که قضایای فنسفی و علمی را درک می‌کند و یا هر دو مُدرک واحدی دارند که تبته این بحث با سؤال قبل رابطه تنگاتنگی دارد و در همین راستا، بررسی ماهیت و معنای عقل عملی و عقل نظری و تفاوت‌های آن‌ها ضروری است.

۳. ملاک و معیار کلیت قواعد اخلاقی چیست؟ و چگونه می‌توان به شباهت پیرامون نسبیت اخلاق پاسخ گفت؟

۴. رابطه باید و نباید را با هست و نیست. چگونه قابل تبیین است و آیا

اساساً رابطه‌ای بین این دو دسته قضایا وجود دارد، یا باید وجود هرگونه رابطه میان آن‌ها را نفی نمود؟ به تعبیر دیگر آیا باید و نباید‌ها قابل استنتاج از هست و نیست‌ها هستند یا نه؟

در این نوشتار ابتدا به مبانی اخلاق در غرب و سپس به بحث پیرامون عقل نظری و عقل عملی در فلسفه اسلامی می‌پردازیم و معنا و تفاوت آن دو را بررسی می‌کنیم و به نظریه مورد قبول در این باب می‌پردازیم. سپس مفهوم باید و نباید و حسن و قبح را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم و پس از آن بحث کلیت و در نهایت رابطه باید و نباید و هست و نیست‌ها را مطرح و بررسی می‌نماییم.

امیدواریم در این سیر، بتوانیم ضمن گزارش نظریات اصلی در این باب، به بررسی دقیق و نقادانه نظریات پرداخته و به انتخاب بهترین راه حل دست یازیم.

در پایان تذکر این نکته لازم و ضروری است که در بخش‌هایی از کتاب (در بخش مفاد باید و نباید و عقل عملی و نظری) علاوه بر منابع مختلف از جزو درسی استاد لاریجانی نیز بهره برده‌ام، و در موارد استفاده شده، گاهی آدرس جزو درسی ایشان آرائه شده و حتی جزو در ایشان در منابع آخر کتاب آمده، ولی در بعضی موارد، آدرس‌دهی مورد غفلت واقع شده بود که در این چاپ جبران شده است و از استاد عزیز و بزرگوار خود جهت این غفلت عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم حقیر را عفو فرمایند.